

النفس والروح والعقل:

نفس، روح و عقل

قد تبين أنّ النفس خلقت من تركيب طينة مرفوعة وروح، وبهذا فهي تختلف عن الروح ولكن من جهة التسمية قد تسمى النفس بعض الأحيان روحاً؛ لأنها خلقت من الروح، ولأنها تعكس صورة روح الإيمان وروح القدس. وأيضاً قد تسمى بعض الأحيان الروح نفساً، فالإنسان مركب من الجسد ومحرك الجسد الغائب عن الأبصار، فهذا المحرك من حيث إنه متصل بالجسد قد يسمى نفساً وإن كان مرتقياً وله روح قدس، ومن حيث إنه محرك للجسد ومن حيث إنه تجلي من الملكوت الأعلى (أي من الروح الحقيقي) قد يسمى روحاً، وإن كان غير مرتقي وليس له روح إيمان ولا روح قدس.

بيان شد كه نفس از تركيبِ كِلِ مرفوع و روح آفريده شده است. به همين خاطر با روح متفاوت است؛ ولي از جهت نام‌گذاري، گاهي اوقات نفس، روح ناميده مي‌شود؛ به اين دليل كه نفس از روح آفريده شده است؛ و به اين خاطر كه نفس، تصوير روح ايمان و روح القدس را مُنعكس مي‌كند و همچنين گاهي اوقات روح، نفس ناميده مي‌شود. انسان از جسد و حرکت دهنده جسدی تركيب شده است كه از دیدگان پنهان است. اين حرکت دهنده از اين جهت كه با جسد متصل است، گاهي اوقات نفس ناميده مي‌شود؛ هر چند ممكن است ارتقاء پيدا کرده باشد و داراي روح القدس باشد. از اين جهت كه اين نفس، محرك جسد است و از اين جهت كه تجلي ملكوت اعلى، يعنى روح حقيقي است، گاهي اوقات روح ناميده مي‌شود، هر چند ارتقاء پيدا نكرده باشد و داراي روح ايمان و روح القدس نباشد.

والحق إنه ليكون للإنسان روح حقيقي لابد أن يكون له حظ ووجود في السماء الملكوتية الثانية على الأقل؛ لأنها أول الجنات الملكوتية.

حقیقت این است که برای این که انسان روح حقیقی داشته باشد، حداقل باید بهره و وجودی در آسمان دوم ملکوتی داشته باشد؛ به این خاطر که آسمان دوم، اولین بهشت ملکوتی است.

وأيضاً: نفس هذا المحرك من حيث إنه تجلي العقل (السماء السابعة) يسمي عقلاً، والحق إنه ليكون للإنسان عقل حقيقي لابد أن يكون له حظ وجود في السماء السابعة.

همچنین همین محرک از این جهت که تجلی عقل، در آسمان هفتم است، عقل نامیده می شود. حقیقت این است که برای این که انسان عقل حقیقی داشته باشد، باید بهره و وجودی در آسمان هفتم داشته باشد.